



The Identity Crisis Study in the novel "Azef-al-Ghoyum" by Ali Badr

Mojgan Tavakoli¹ , Mohsen Seifi² & Ruhollah Sayadi Nejad³

1 PhD student of Arabic Language and Literature in University of Kashan, Isfahan, Iran. Email: mo.tavakoli100@yahoo.com

2 Corresponding author: Associate Professor of Arabic Language and Literature in University of Kashan, Isfahan, Iran. Email: motaseifi2002@yahoo.com

3 Associate Professor of Arabic Language and Literature in University of Kashan, Isfahan, Iran. Email: saijadi57@gmail.com

Article Info	ABSTRACT	
Article type: Research Article	Identity is considered one of the most important components of human personality and it is a position where "self" and "I" are placed against others. In this way, identity is a fluid thing, and this fluidity, while causing its dynamism, also exposes it to danger. A danger that can cause an identity crisis. Iraq is one of the countries that have a special civilizational, cultural and historical background, but the identity crisis has become one of the concerns of this nation today. Its main factor is related to the political and social conditions of several decades in Iraq. The novel "Azef Al-Ghouyum" written by Ali Badr is one of the novels that present the identity crisis of the immigrant character such as "Nabil" in contrast to the two cultural systems of the East and the West. The results of the research indicate that the components such as the internal contradictions of the immigrant, living with the virtual self instead of the real self, the change of linguistic identity and the national and cultural attitude have been well manifested in this novel. The main character of the novel broke away from there due to social problems and by migrating to the land of exile, he faced an environment that has always challenged his existence to the point where he became alienated from himself and forgot his connection with the Mesopotamian civilization. Search for your dreams in the land of the West. The result of this incident is cutting off ethnic memories and alienation from one's own culture.	
Article history: Received 2024 May 30 Received in revised form 2024 August 9 Accepted 2024 September 12 Published online 2025 January 9		
Keywords: Contemporary Arabic Novel, Ali Badr, "Azef-al-Ghoyum", Identity Crisis.		
Cite this article: Tavakoli, M., & Others (2024)., The Identity Crisis Study in the novel "Azef-al-Ghoyum" by Ali Badr. <i>Arabic Prose Studies</i> , 2 (1), 47-62. DOI: https://doi.org/10.22091/npa.2023.9698.1002		
		Publisher: University of Qom

© The Author(s)

DOI: <https://doi.org/10.22091/npa.2023.9698.1002>



دراسة أزمة الهوية في رواية "عازف الغيوم" للكاتب علي بدر

موجكان توکلي^١، محسن سيفي^٢، وروح الله صيادي نجاد^٣

١ دكتوراة اللغة العربية وآدابها بجامعة كاشان، اصفهان، إيران. البريد الإلكتروني: mo.tavakoli100@yahoo.com

٢ الكاتب المسؤول: أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة كاشان، اصفهان، إيران. البريد الإلكتروني: motaseifi2002@yahoo.com

٣ أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها بجامعة كاشان، اصفهان، إيران. البريد الإلكتروني: saiiadi57@gmail.com

معلومات المقالة	الملخص
نوع المادة: مقالة محكمة	تعتبر الهوية واحدة من أهم مكونات الشخصية الإنسانية، وهي المجال الذي يتشكل فيه "الذات" و"الأنا" في مواجهة "الآخر". وهكذا، فإن الهوية تمثل ظاهرة سائلة، وبالرغم من أن هذه السيولة تساهم في حيويتها، إلا أنها تعرضها للخطر أيضًا، وهو خطر يمكن أن يؤدي إلى أزمة هوية. يُعتبر العراق واحدًا من البلدان التي تتمتع بإرث حضاري وثقافي تاريخي متميز، إلا أن أزمة الهوية أصبحت من القضايا التي تشغل هذا الشعب اليوم. ويرتبط السبب الرئيسي في ذلك بالظروف السياسية والاجتماعية التي عانى منها العراق لعشرات السنين. وإن رواية "عازف الغيوم" للكاتب علي بدر تطرح أزمة الهوية من خلال شخصية المهاجر "نبيل"، في تفاعلها مع نظامين ثقافيين مختلفين هما الشرق والغرب. تشير نتائج البحث إلى أن عوامل مثل التناقضات الداخلية للمهاجر، والعيش مع الذات الافتراضية بدلاً من الذات الحقيقية، وتحول الهوية اللغوية، وتغير النظرة الوطنية والثقافية، تتجلى بشكل واضح في هذه الرواية. وإن الشخصية الرئيسية في الرواية، لقد ابتعدت -نتيجة للمشكلات الاجتماعية- عن جذورها، وعندما هاجرت إلى أراضي الغربة، واجهت فضاءً يتحدى وجودها باستمرار، حتى بلغت الحالة التي أصبحت فيها غريبة عن ذاتها، وأهملت ارتباطها بحضارة بين النهرين، وسعت للبحث عن آمالها في الغرب. وتتمثل نتيجة هذا الحدث في الانفصال عازف الغيوم، أزمة الهوية. عن الذكريات الوطنية والشعور بالغربة تجاه ثقافتها.
الكلمات الرئيسية:	الرواية العربية المعاصرة، علي بدر، عازف الغيوم، أزمة الهوية.

الاقتباس: توکلي، موجكان و زملاؤها. (١٤٠٣). «دراسة أزمة الهوية في رواية "عازف الغيوم" للكاتب علي بدر». *بحوث في الشعر العربي*، ٢ (١). صص: ٤٧-٦٢.

<https://doi.org/10.22091/npa.2024.10663.1018>



© المؤلفون.

الناشر: جامعة قم



بررسی بحران هویت در رمان «عازف الغیوم» نوشته علی بدر

مژگان توکلی^۱، محسن سیفی^۲ و روح الله صیادی نژاد^۳

۱ دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: mo.tavakoli100@yahoo.com

۲ نویسنده مسئول: محسن سیفی، دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: motaseifi2002@yahoo.com

۳ دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران. رایانامه: saiadi57@gmail.com

چکیده	اطلاعات مقاله
هویت یکی از مهمترین مؤلفه‌های شخصیتی انسان به شمار می‌رود و قرارگاهی است که در آن «خود» و «من» در برابر «دیگری» جای می‌گیرد. بدین ترتیب هویت امری سیال است و همین سیال بودن در عین حال که سبب پویایی آن می‌شود، آن را در معرض خطر نیز قرار می‌دهد؛ خطری که می‌تواند سبب بحران هویت شود. عراق از جمله کشورهایی است که از پیشینه تمدنی، فرهنگی و تاریخی ویژه‌ای برخوردار است ولی بحران هویت از نگرانی‌های امروز این ملت شده است. عامل اصلی آن وابسته به شرایط سیاسی و اجتماعی چند دهه عراق می‌باشد. رمان «عازف الغیوم» نوشته «علی بدر» از جمله رمان‌هایی است که بحران هویتی شخصیت مهاجر از جمله «نبیل» را در تقابل با دو نظام فرهنگی شرق و غرب مطرح می‌سازد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که مولفه‌هایی همچون تناقضهای درونی مهاجر، زیستن با خود مجازی به جای خود حقیقی، تغییر هویت زبانی و نگرش ملی و فرهنگی به خوبی در این رمان تجلی پیدا کرده است. شخصیت اصلی رمان به علت مشکلات اجتماعی از آنجا گسسته و با مهاجرت به سرزمین غربت با فضایی رو به رو شده که همواره وجودش را به چالش کشیده است تا جایی که با خویش بیگانه شده و ارتباط خود را با تمدن بین‌النهرین به فراموشی سپرده و تلاش نموده آرزوهای خود را در سرزمین غرب جست و جو کنند. نتیجه‌ی این اتفاق بریدن از خاطرات ملی و بیگانگی نسبت به فرهنگ خویش می‌باشد.	نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ کلیدواژه‌ها: رمان معاصر عربی، علی بدر، عازف الغیوم، بحران هویت.

استناد: توکلی، مژگان و همکاران. (۱۴۰۳). «بررسی بحران هویت در رمان «عازف الغیوم» نوشته علی بدر». شهرپژوهی عربی، ۲ (۱)، صص: ۶۲-۴۷.
<https://doi.org/10.22091/npa.2023.9698.1002>



۱) مقدمه

امروزه مسأله هویت و راه‌های پاسداری از آن به منظور حفظ و دوام یک ملت مورد توجه صاحب نظران قرار گرفته است. این امر به ویژه در میان ملت‌هایی که در فراز و نشیب تاریخ خود همواره با حجم‌های گوناگونی مواجه شده‌اند از اهمیتی دوچندان برخوردار بوده و توجه بیش از پیش اندیشمندان را برای یافتن راه حل‌های مناسب در این خصوص طلب می‌نماید. عراق نیز از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر با این مشکل دست و پنجه نرم نموده؛ زیرا ساختار سیاسی و واقعیت‌های اجتماعی، این کشور را به سمتی سوق داده است که از دولت‌های پادشاهی تا حکومت‌های دیکتاتوری و حتی در سیستم دموکراتیک امروزی عراق این مشکل یکی از زمینه‌های بحران‌زا به شمار می‌رود. ملت عراق از میان رفتن هویتشان را در نتیجه سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی در نظام سلطه‌گری و استبداد عراق به شمار می‌آورند. علی‌بدر نویسنده معاصر از این مسأله غافل نبوده و در رمانش «عازف الغیوم» از ابعاد مختلف این بحران سخن گفته است. رمان عراقی، بستر مناسبی است تا بتوان ضمن بررسی میزان و نحوه نگرش نویسنده مسأله هویت و ابعاد گوناگون آن را مورد مطالعه و ارزیابی قرار داد.

با توجه به مقدمه بیان شده در این پژوهش به دنبال آنیم که به سوالات زیر پاسخ دهیم:

- ۱) مؤلفه‌های بحران هویت در رمان «عازف الغیوم» چیست؟
- ۲) چه عوامل و عناصری موجب ساخت هویت جدید «نبیل» در فرایند هویت‌یابی او شده است؟
- ۳) نبیل به عنوان شخص مهاجر در سرزمین میزبان بیشتر با کدام بحران هویتی مواجه شده و درصدد تغییر آن می‌باشد؟

۱-۱) پیشینه پژوهش

- ۱) نویسندگانی از جمله سعید دوران (۱۳۸۹) در کتاب خود با عنوان «هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها»، سعیدرضا عاملی (۱۳۸۴) در کتاب خود با عنوان «دو جهانی شدن‌ها و آینده هویت‌های همزمان»، رستم نوچه فلاح (۱۳۸۰) در کتاب خود با عنوان «هویت، واقعیتی ثابت یا سیال» به توضیح ویژگی‌های بحران هویت، شاخص‌ها و پیامدهای آن بر آثار داستانی اشاره نموده‌اند.
- ۲) پایان‌نامه‌ای با عنوان «جلوه‌های مقاومت، نوستالژی و بحران هویت در شعر شاعران تبعیدی عراق بررسی موردی: اشعار عدنان الصائغ و حسن الرحیم الخراسانی» در سال ۱۳۹۴، به تحریر صبری جلیلیان که به بررسی جلوه‌های مختلف مقاومت، نوستالژی و بحران هویت پرداخته است.
- ۳) پایان‌نامه‌ای دیگر با عنوان «بررسی بحران هویت در شعر معاصر عراق» است که در سال ۱۳۹۶ به تحریر زهرا محمد پور که به بررسی عناصر و ابعاد هویت در اشعار شاعران نوگرای معاصر عراق بوده، پرداخته است.
- ۴) مقاله‌ی صبری جلیلیان، سید عدنان اشکوری، صغری فلاحتی و حامد صدقی با عنوان «بررسی ابعاد هویت در اشعار عدنان الصائغ» که در پژوهشنامه نقد ادب عربی سال (۱۳۹۴) شماره ۱۳ به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله نویسنده به اوضاع سیاسی-اجتماعی چند دهه اخیر عراق می‌پردازد و عوامل مختلف بحران هویت را با انتقاد از اوضاع کنونی سرزمین عراق در اشعارش منعکس می‌کند.

۵) مقاله بهزاد برکت با عنوان «هویت و بازتاب آن در رمان» که در مجله ادب پژوهی سال (۱۳۸۷) شماره ۵ به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله نویسنده می‌کوشد با در نظر گرفتن ظرفیت‌های رمان، نه فقط به گونه ادبی، بلکه به عنوان پدیده‌ای فرهنگی که در گفتگوی مدام با عناصر متغیر یک منظومه فرهنگی، واقعیت رمان را شکل می‌دهد و اسباب پویایی آن می‌شود، نوعی روش شناسی را برای شناخت جلوه‌های هویت از منظر رمان معرفی کند.

۶) مقاله احمد جمشیدی با عنوان «بحران هویت ۲» که در مجله علوم تربیتی: اصلاح و تربیت سال ۱۳۸۲، شماره ۱۳ و ۱۴ به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله نویسنده می‌کوشد به بررسی بحران هویت به عنوان یک آسیب اجتماعی که روز به روز سایه خود را بر جوامع جهان سوم بیشتر می‌افکند، مورد بررسی قرار داده و عوامل موثر در آن را تحلیل نماید.

۷) مقاله حسن حاج حسینی با عنوان «بحران هویت و انحراف اجتماعی» که در مجله علوم اجتماعی، مطالعات راهبردی زنان سال ۱۳۸۱، شماره ۱۷ به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله نویسنده می‌کوشد با گذری اجمالی بر تعاریف و مفاهیم واژگان هویت و هویت اجتماعی، عناصر قوام بخش هویت را مورد تحلیل قرار داده و سپس زمینه‌ها و عوامل انحرافات اجتماعی و نیز علل مؤثر در بروز آسیب به هویت اجتماعی را بررسی کند.

۸) مقاله محمد حسین باستانی با عنوان «بحران هویت، مسأله جهانی» که در فصلنامه علوم اجتماعی: نامه فرهنگ سال ۱۳۷۲ شماره ۹ به رشته تحریر در آمده است. در این مقاله نویسنده می‌کوشد به تفکیک نقش عوامل خارجی و داخلی اشاره نموده و می‌گوید: این فرهنگ جهانی است که زمینه لازم را برای ظهور پدیده‌های گسترده آماده می‌کند. یا به عبارت دیگر، تا زمینه ظهور پدیده‌ای در فرهنگ جهانی از لحاظ نظری آماده نباشد، آن پدیده در ابعاد وسیع ظاهر نخواهد شد را بیان نماید.

بررسی پیشینه بیانگر آن است که در خصوص بررسی بحران هویت در رمان «عازف الغیوم» نوشته علی بدر نویسنده عراقی پژوهشی تاکنون صورت نگرفته است.

۲-۱) روش پژوهش

این پژوهش درصدد آن است تا با استفاده از روش نقد اجتماعی ابعاد مختلف بحران هویت را در رمان «عازف الغیوم» نوشته علی بدر نویسنده عراقی مورد بررسی قرار دهد.

۲) ادبیات نظری

۲-۱) هویت

موضوع «هویت» به عنوان یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه اندیشمندان و محققان قرار گرفته که در رشته‌های مختلف علم به تعریف آن پرداخته شده است. این کلمه در معنای عام خود بر ذات شیء دلالت می‌کند یا صفات و ویژگی‌های خاصی را دربر می‌گیرد که با افراد و اشیای دیگر متفاوت است. بنابراین «هویت» از جهت لغوی، کلمه‌ای مرکب از ضمیر غائب «هو» است که به «ی» نسبت اضافه شده است. به عبارتی، همان خصوصیات و ویژگی‌هایی هستند

که در واقعیت به وسیله آنها شناخته شده یا می‌شوند. (نعمان، ۱۹۹۵: ۲۱) در تمدن عربی اسلامی این لفظ از ضمیر «هو... هو» ساخته شده که بر جوهر شی و حقیقتی که مشتمل بر آن است، دلالت می‌کند. (عمارۀ، ۱۹۹۹: ۶)

در مطالعه شخصیت انسان، هویت یک جنبه اساسی و درونی است که به کمک آن، یک فرد با گذشته‌اش پیوند خورده و در زندگی احساس تداوم و یکپارچگی می‌کند. (احدی، ۱۳۸۷: ۴) بنابراین ریچارد جنکینز بر این اعتقاد است که هویت فردی در حقیقت بیانگر درک هر شخص از خود بوده و هویت اجتماعی درک هر شخصی از خود و دیگران از یک سو و درک دیگران از خود و غیر خود را از سوی دیگران دربر می‌گیرد. (جنکینز، ۱۳۹۱: ۹۳) منظور از بحران هویت در حقیقت تغییر و از بین رفتن توازن است که در هویت به وقوع پیوسته است. به گونه‌ای که این بحران در رفتار و ارزش‌ها اثر می‌گذارد. (الزیود، ۲۰۰۶: ۴۰)

به باور برخی اندیشمندان، جدی‌ترین بحرانی که یک شخص با آن مواجه می‌شود، در خلال شکل‌گیری هویت رخ می‌دهد. این بحران بدان جهت جدی است که عدم موفقیت در رویارویی با آن، پیامدهای بسیار سنگینی دارد. شخصی که فاقد یک هویت متشکل و جدی است در خلال گزینش و به ویژه دوره بزرگسالی با مشکلات متعددی مواجه می‌شود. (نورد بی و هال، ۱۳۸۰: ۶۴). اریکسون خاطر نشان می‌کند در هر زمانی امکان دارد بحران هویت روی دهد و منحصر به دوره جوانی نیست (همان: ۶۴). این بحران نوعی اختلال و از خود بیگانگی است که فرد با خود، دیگران و جامعه دارد. در برخورد با انسانی که دچار این بحران شده می‌توان فهمید که او از لحاظ ذهنی دارای تنش و عصبانیت و پرخاشگری است و از لحاظ اجتماعی ناآرام، نامنظم و غیر قانع است. (ادیب راد و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۳-۱۲)

پس بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که افراد بی‌هویت افرادی سردرگم در اهداف، سرگردان در اعمال و آشفته و پریشانی هستند که نمی‌دانند که هستند، چه می‌خواهند و چه باید انجام دهند. افرادی هستند که خود، گذشته خود و جامعه خود را نمی‌شناسند با این وجود نه هدفی را دنبال می‌کنند و نه به ابداعاتی دست می‌زنند. در حقیقت این افراد بریده از گذشته و بدین به آینده هستند.

۲-۲) علی بدر

علی بدر نویسنده عراقی، از مهمترین رمان‌نویسان جهان عرب به شمار می‌رود. وی در عراق دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی خویش را در مدارس «القدیس یوسف» واقع در «الکراده الشرقیه» به پایان رساند. او پس از اتمام تحصیل در رشته ادبیات فرانسوی در دانشگاه بغداد به بلژیک مهاجرت نمود و در دانشگاه بروکسل به خواندن فلسفه پرداخت. رمان‌های علی بدر از مطرح‌ترین روایت‌های پست مدرن به زبان عربی به شمار می‌روند. وی اولین رمان‌هایش را تحت عنوان «باباساتر» در «دار الریاض» و در سال (۲۰۰۱) به چاپ رساند. این نویسنده پرکار زندگی خود را وقف رویداد نگاری تاریخ مردم سرزمین خود کرده است، تاکنون بسیاری از رمان‌های خود را در مورد بغداد نوشته و در داستان‌های خود، سرگذشت پایتخت عراق را در روزگار سلاطین عثمانی دهه (۱۹۶۰م) و دوران حکومت صدام حسین دنبال کرده است. وی به سبب همین رمان‌ها و اعمال ادبیش به شهرت عظیمی دست یافته است. افکار وی از دو دیدگاه پسامدرنیسم و پسااستعمار الهام گرفته و از جهتی بازتاب زندگی شخصی و حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی عراق می‌باشد (بلاسم، ۲۰۱۷: ۵۹). علی بدر اکنون در شهر بروکسل به نویسندگی در زمینه نمایشنامه‌های اقوام بلژیکی مشغول است و به عنوان یکی از اعضای پارلمان نویسندگان جهانی می‌باشد. (صالح، ۱۳۸۷)

۲-۳) عازف الغیوم

رمان عازف الغیوم که در (۱۱۴) صفحه توسط علی بدر نویسنده عراقی به رشته تحریر در آمده است بیانگر اوضاع و احوال یک نوازنده عراقی به نام «نبیل» است. او (نبیل) نوازنده‌ای رویایی و ویولنیست در بغداد بوده و معتقد است که موسیقی کلاسیک و پورنوگرافی توانایی لازم در جهت تغییر جهان را داراست. اما یک روز، در حالی که ساز خود را در یک جعبه بزرگ در پشت خود قرار داده، در راه بازگشت به خانه با یک گروه مبارزی روبه‌رو می‌شود که او را اذیت نموده، ابزار موسیقی‌اش را شکسته و حتی خودش را مورد ضرب و شتم قرار داده و به او توهین می‌کنند. بنابراین نبیل برای فرار از توهینی که در سرزمینش به او شده تصمیم می‌گیرد به اروپا مهاجرت کند و زندگی جدیدی را با موسیقی و عشق شروع کند. تا جایی که حتی به سخنان پدر و کسانی که در این راه وارد شده و به نتیجه نرسیده‌اند، توجهی نشان نمی‌دهد و برای رفتن به سرزمین غربت مصمم است. سرانجام نبیل به بلژیک مهاجرت نموده و تلاش می‌کند تا از هویت خویش که چندان تمایلی به آن ندارد فاصله بگیرد و شهروند بلژیکی شود. او (نبیل) نیز در آن سرزمین با شخصی به نام «فانی» که دختری زیباست آشنا می‌شود و چون که او را در برخی امور با اهدافش هماهنگ می‌بیند، دل به او می‌بندد و هر روز علاقه‌اش نسبت به آن دختر افزون می‌گردد. لیکن مهاجرانی که در همسایگی او بودند رفتارشان را غیرشرعی دانسته و بار دیگر به شکستن ابزار موسیقی‌اش می‌پردازند. این امر باعث می‌شود که وی غربت و جلای وطن را نیز مکانی برای تحقق آرزوهایش نمی‌بیند. نبیل با وجود اینکه آرزوهایش حتی در سرزمین غربت برآورده نشده، از بازگشت به موطن و هویت عربی‌اش متنفر است و تصمیم گرفته خود را شهروند بلژیکی جلوه دهد و در تظاهراتی که علیه مهاجران بوده شرکت کند؛ اما با ضرب و شتم بلژیکی‌هایی که به عرب بودن وی پی برده‌اند روبه‌رو می‌شود و در پایان بدون اینکه بتواند به اهدافش جامعه عمل بپوشاند به زندگیش در سرزمین غربت ادامه می‌دهد.

۳) بررسی بحران هویت در رمان عازف الغیوم

۳-۱) بحران اجتماعی

بحران اجتماعی در واقع به معنای جدا شدن فرد از یک یا چند طرف می‌باشد و یا قطع ارتباط با دیگران، ارزشها، هنجارها و عادات رایج در جامعه است که این عوامل به همراه درد، بدبینی، دل‌شکستگی و ناامیدی بوده و گاهی با خشم، کینه و انقلاب همراه است (سلامی، ۲۰۰۰: ۱۵۱). همچنین به معنای عدم خوش‌بینی به خود و دیگران است که با کمبود محبت و عدم همدردی، مشارکت و ضعف پیوندهای اجتماعی بین افراد جامعه همراه است (ابودلال، ۲۰۰۹: ۱۷).

یکی از عوامل بحران اجتماعی محرومیت نسبی است. به بیان دیگر حالتی است که مردم انتظار دارند شرایطشان در حالی که شرایط دیگران بدون هیچ دلیلی بهبود می‌یابد، بدتر نشود. لذا چنانچه بدون دلیل شرعی خلاف آن اتفاق افتد - که در واقع چنین اتفاقی در جامعه عراق رخ داده - این احساس محرومیت در کنار احساس بی‌عدالتی باعث ایجاد خشم و نارضایتی افراد جامعه می‌شود؛ بنابراین با وضع موجود مخالفت کرده و درصدد از نابودی آن برمی‌آیند. حتی اگر مخالفت‌شان با خشونت همراه باشد (الجماعی، ۲۰۰۷: ۱۷-۱۶).

علی بدر در ابتدای این رمان با کاربرد تعبیری مانند «قراره بالفار» به فرار نبیل شخصیت اصلی رمان از سرزمین پدریش اشاره می‌کند؛ زیرا او آرزوها و خواسته‌های بزرگی در سر دارد، ولی با تمام تلاشی که می‌کند نمی‌تواند به آن آرزوها در سرزمینش جامعه عمل بپوشاند. پس جلای وطن و فرار از موطن خود را بر ماندن در جامعه‌ای که سبب عقب

ماندگی اوست ترجیح می‌دهد. کار تا آنجا پیش می‌رود که حتی پدر نمی‌تواند فرزندش به باقی در موطن خویش قانع کند. پدر نبیل سخنش را با عبارت «لن يجد السعادة في المنفى» و با حرف تاکید «لن» بیان نموده تا بگوید هرگز خوشبختی و سعادت در این سرزمین، تکرار نخواهد شد و نمی‌تواند سعادتش را در این جامعه پیدا کند و خود را فردی شکست خورده و بی‌ارزش می‌داند که چاره‌ای برای حل مشکلی که با آن مواجه شده نمی‌یابد. لذا در نظرش تنها گزینه برای رهایی از این خفت فرار از سرزمین مادری است. لذا تصمیم می‌گیرد که با آن (وطن) وداع کند تا بتواند با سفر به سرزمینی که آنسوی دریاهاست به آمال و آرزوهای خویش دست یابد و آنها را محقق سازد. حتی اگر این مهاجرت موجب شود به وی عنوان پناهنده و تبعیدی دهند.

«من زمان، فکر بالهروب إلى أوروبا، ولكن، لم يكن الوقت فقدحان فعلاً، وها هو - الآن - جنب المهرب الذي سيقوده إلى المكان المعلوم، إلى الحياة فيما وراء البحار، تذكر بتبين من الشعر تضمن هذا العبارة، لكنه لا يذكر الشاعر: سنذهب هناك، سنذهب إلى مدينة فاضلة تقع وراء البحار». (بدر، ۲۰۱۶: ۳۶)

یکی دیگر از عوامل بحران اجتماعی، انقطاع نسلی است. در واقع انقطاع نسلی به معنای بریدن و فاصله افتادن کامل میان دو نسل بوده و چنین چیزی در عالم واقع غیر ممکن است. زیرا نسلی که در جامعه خاص پرورش می‌یابد برخی چیزها را طرد می‌کند؛ اما چون برخی چیزهای دیگر را حداقل به صورت ضمنی می‌پذیرد پس نمی‌تواند همه چیز را طرد کند. کما اینکه تفاوت بین نسلهای امری طبیعی، اجتناب ناپذیر و حتی مطلوب و ضروری است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۶). تفاوت جوامع مدرن و سنتی باعث شده نبیل به عنوان شخصی مدرن که در دنیای کنونی زندگی می‌کند، با تغییرات سریع و گسترده‌ای که در زندگی رخ داده، افکارش به‌طور اساسی تغییر یابند. به طوری که بنا به گفته‌اش پدر را متعلق به دهه ۶۰ و ۷۰ بداند که عامل این گسست گردیده و نمی‌تواند نبیلی را که متعلق به دوره جدید است و خواسته‌های متفاوتی نسبت به گذشتگان دارد، به راحتی درک نماید. این ناهمگونی عقاید علاوه بر اینکه باعث جدایی وی از دوستان و افراد جامعه‌اش شده، در کم‌رنگ کردن مودت و الفت با افراد خانواده‌اش بی‌تاثیر نبوده و بنا به گفته‌اش این ارتباط با خانواده کاملاً ظاهری و ساختگی بوده و از اعماق وجودش برنخاسته است:

«حتى علاقتي بأبويه شعر أنها لم تكن سوى علاقات شكلية، بلا جوهر، بلا حياة، بلا محتوى، بلا عاطفة لم تكن سوى طقوس، الكلمات اللازمة التي يرددها كلما رآهم هي نفسها التي يرددها أي مهلوس، كما لو أنه أخذ كمية كافية من المخدرات، تجعله يهلوس بصورة انسيابية عن الحب العائلي والعاطفة الصادقة علاقاته مع الجميع كانت تصنع، لم تكن لها أية صلة بالحقيقة. كانت تمثيلاً أخرق في المسرحية بائسة». (همان: ۲۳)

نبیل نه تنها در سرزمین مادری بلکه در سرزمین غربت و با زندگی در میان مهاجرانی که از هر سرزمینی به آنجا آمده‌اند، این شکاف نسلهای و تفاوت افکار و اندیشه خود با مهاجران را به خوبی احساس می‌کند. رفته رفته این مشکل در وجود او حادث‌تر شده و باعث ایجاد عقده حقارت در او گردید. این امر باعث شد نبیل بار دیگر خود را شخصی ضعیف و ناتوان ببیند که دیگر نمی‌تواند به ساخت آن مدینه فاضله‌ای که توأم با تغییر دیدگاه مردم نسبت به امور زندگی است دست یابد. در نتیجه زندگی خود را جهنمی تصور می‌کند که پیوسته روح او را عذاب می‌دهد و شرایط را برای ادامه حیات در غربت سخت‌تر می‌کند. این رنج و محنت باعث شد وی بار دیگر خود را قطعه موسیقی ناهمگنی در بین

اعضای جامعه و گروه مهاجران معرفی کند و عاملی بشمار می‌آورد که باعث برهم زدن تعادل و حتی نابودی صداها می‌شوند و نتوانسته با آن جامعه کنار بیایند و مورد ضرب و شتم و تهدید قرار گرفته‌اند. این در حالی است که وی فکر می‌کرد با فرار از سرزمین مادری و پناهنده شدن به سرزمین غربت بهترین گزینه را برای رهایی از این وضعیت آسف بار انتخاب نموده است. سپس با ذکر کلمه «الهارمونی» اساس جامعه را همنوایی و همخوانی اجباری با جامعه عقب مانده‌ای که با افکار مدرنیته جدید فاصله زیادی دارد تعبیر می‌کند. بدین دلیل که معتقد است سرباز زدن از این همخوانی باعث برهم خوردن تعادل و توازن جامعه و به دنبال آن فروپاشی پایه‌های تمام امور جامعه می‌شود. بنابراین نبیل حضورش را در میان آنان بی‌فایده دانسته، سکوت را ترجیح داده و از بیان افکارش در بین آنان خودداری می‌کند. زیرا وی با داشتن چنین اعتقادات و دیدگاه‌های متفاوتی که در درونش می‌گذرد شخصی را هم در میان آنان (مهاجران) نمی‌یابد که بتواند او را از عقایدش باخبر نموده و یا حتی در مورد افکارش با او به مناقشه پرداخته و در این زمینه با خود هماهنگ سازد:

«أنا كنت النعمة الوحيدة الشاذة ... كنت الصوت الذی یهدم تناغمهم و یهدم الهارمونی فی أغنیتهم ... هل تفهمینی؟ لذلك هددونی و ضربونی ... ألا ترین الأمر کذلک؟ حین خرجتُ و هربتُ، فإنهم اصبحوا بالتاكيد أفضل حالاً، إن الهارمونی هو أساس الموسيقى. إن وجود صوت نشاز بین هذه الآلات التي تصنع الموسيقى سیحقق انعدام الهارمونی و بالتالی أن کل البناء سینهار» (همان: ۹۵)

۳-۲) بحران ملیتی

بحران ملیتی از دیگر معضلاتی است که جامعه عراق به آن گرفتار شده و ملیت آنها را به باد داده است. زیرا هویت ملی به معنای احساس وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است. بر اساس این تعریف، میزان تعلق و وفاداری افراد یک اجتماع ملی به هر یک از عناصر و نمادهای ملی مانند سرزمین، دین و آیین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات مردم و دولت، شدت احساس هویت ملی افراد آن اجتماع ملی را مشخص می‌سازد (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۸-۱۷).

یکی از عوامل بحران ملیتی این است که شخص خود و موجودیت قانونی خود را از دست بدهد. بحران ملیت به این معنا است که شخص هویت خویش را از دست دهد و به سوژه‌ای تبدیل شود که احساس به هیچ ملیتی وابسته نیست و هیچ ریشه‌ای وجود ندارد که او را به واقعیت پیوند دهد (خلیفه: ۲۰۰۳: ۳۵).

نبیل چنین بحرانی را با مهاجرت به سرزمین غربت درک کرده است. زیرا او با هدف رسیدن به مدینه فاضله‌ای که در ذهنش مجسم کرده و در موردش رویا بافی کرده، اقدام به جلائی وطن کرده و اکنون با شکست مواجه شده است. بدان سبب که زندگی در سرزمین میزبان باعث شده به او عنوان پناهنده و تبعیدی اطلاق کنند. هر چند که او تلاش کرد تا خودش را به گونه‌ای دیگر در آن سرزمین معرفی کند و افکارش را به عنوان عامل تعیین کننده شخصیتش قرار دهد و بدین طریق بتواند علل مهاجرت و پناهندگی‌اش را توجیه کند، اما عدم توجه به افکار وی سبب شده عقده حقارت در وجودش شکل گیرد و زندگی‌اش را در میان آنها را جهنمی تصور کند که توانایی خروج از آن را نداشته و تنها راه حل نجات و ساخت مدینه فاضله را فرار از پناهندگان مهاجر بداند:

«أنت لاجیء، - أنا عازف التشللو! ولكنک لاجی فی بلجیکا. قد غضب إلی الدرجة التي أراد أن یقول لمحدثه: إن تکلمنا عن الموسيقى، فإن بلجیکا هی اللاجئة عندی لکنه کتم انفاسه، شعر نبیل آلات کون من

أروبا، فأنت لاجئ! وعليك ألا تجاهر بأي رأي، إنهم سيحبونك إن مدحت بلدهم و لكن؛ لو أردت أن تفعل مايفعله البلجيكيون بكراهيتهم لبلدهم، فمشكلة المهاجرين مع المهاجرين معروفة» (همان: ۹۴)

البته تلاش نبیل در جهت هماهنگی با کشور میزبان و عجین شدنش با آن فرهنگ نشأت گرفته از هویت چند تباری وی می‌باشد. زیرا او به عنوان شخص مهاجر، سرزمین آبا و اجدادی را رها کرده و برای همیشه از آنجا رفته است. بنابراین اگر چه وی پیوندهای محکم با سنت‌ها و خاستگاه‌هایش را نگه داشته، اما از سوی دیگر خیال بازگشت به گذشته را ندارد. تا جایی که به تظاهرگرایی روی آورده و برای دوستش فانی اینگونه وانمود می‌کند که روحش با این جامعه عجین شده و ذره‌ای احساس غربت نمی‌کند و اظهار می‌دارد نمی‌داند چگونه آن احساس درونیش را که برپایه‌ی واقعیت بوده برای وی توضیح دهد:

«ثم شرح نبيل لفاني: أنا أجد هنا نفسي أكثر تألفاً.... أكثر انسجاماً مع هذا المجتمع مما كنت عليه هناك... كنت اشعر بأني غريب هناك أكثر من شعوري بأني غريب هنا.... بل أقول لك إنني لأشعر هنا بأني غريب ابداً. كيف تفسرين ذلك» (همان: ۹۶-۹۵)

فاصله گرفتن نبیل از ذات حقیقی‌اش بدان سبب است که مجبور شده با فرهنگ‌هایی که در آن جامعه رواج دارد به توافق برسد، بدون اینکه به آسانی با آنها همانند گردد و یا بطور کامل هویتش را از دست بدهد و در انقلاب و تظاهراتی که علیه مهاجران در کشور بلژیک برپا شده، شرکت نماید با وجودی که خودش از جمله آن مهاجران بوده است: «قرر نبيل الذهاب الى البارک رويال؛ حيث مظاهرة اليمين المتطرف التي تطالب بطرد المهاجرين من البلاد» (همان: ۱۰۲)

فرار نبیل از هویت ملی خویش و حضور در میان معترضان با هدف شهروند بلژیکی جلوه دادن خود از طریق فرایند ناخودآگاه برورای زمان شکل گرفته است؛ چراکه وی به طور مستمر به دنبال هویت‌هایی است که زندگی نامه‌ای بسازد و بخش‌هایی مختلفی از خودهای جدا از هم را به درون یک خود واحد کشاند تا بدان سبب خوشحالی خیال‌پردازانه‌ای نسبت به خود به دست آورد. هرچند که سرانجام مطلوبی برایش رقم نخورده و با حضور در میان تظاهرکنندگان خود را در گردابی از مشکلات وارد ساخته که با ضرب و شتم وی همراه گردیده است:

«و أشار بأصبع موجهاً الى وجهه كانت الوجوه الغاضبة اكبر من أن يستوعبها، لقد شاهد بعينه الشر من العيون التي أخذت تقدح في وجهه، كان أشبه بفريسة دخلت في ميدان مجموعة من الضواري، لقد تلقفنه الايدي من كل مكان، أیدی التظاهرين، أیدی رياضية متصلة خشنة، حتى النساء قفرن نحوه» (همان: ۱۰۳-۱۰۲)

نبیل هدفش را از شرکت نمودن در این اعتراضات با وجودی که با صحنه‌ی مناسبی برخورد نموده، در پیش گرفتن راه دشمنی تعبیر می‌کند تا بتواند خودش را دلداری دهد و از میزان خشمی که در وجودش نهفته و نمی‌تواند آن را فریاد زند، بکاهد و خود را به عنوان یکی از افرادی معرفی کند که با حضور مهاجران در سرزمینشان مخالف است. لیکن این فرار هویتی نتیجه منفی برایش به همراه داشته. چون غربت او را از جمله پناهندگانی دانسته که به صورت غیر قانونی وارد کشورشان شده است و فقط به ظاهرش توجه نموده در حالی که افکار و امیال او چندان برایشان مهم نبوده است و او را مورد ضرب و شتم قرار داده‌اند:

«کل هذا لم يمنع نبیل من الركض بمرح ظاهر، بخفة، بابتهاج، شیء أشبه باللعب؛ ليكون فی وسطهم طالباً منهم، بالتهذيب الذی عرف به، أن يحمل إحدى لافتاتهم، ما الذی فهموه من الأمر؟ كان علیه أن یشرح لهم؟ أن لون بشرة المظهر و الهيئة لاعلاقة بالأفکار. لكن؛ لا وقت للیمینین للإصغاء الامر محسوم بالنسبة لهم. هو من الأعداء». (همان: ۱۰۴-۱۰۳)

این برخورد فجیع جامعه غربی با پناهندگان و معرفی آنان با عناوین ناشایستی از جمله «موشها» و «زباله» به نژاد پرستی سرزمین میزبان بازمی گردد که دائماً بر تثبیت و عادی سازی تفاوت میان تعلق پذیری و غیریت تلاش نموده تا هویت پناهندگان را چیزی غیر از هویت مردم سرزمینش عنوان کند و با حک کردن این تفاوت هویتی در ذهن مهاجران، آنان را در حاشیه قرار دهد:

«ما الذی جاء بک إلى بلدنا، ایها العثة؟ سترجع الجرزدان إلى جحورها. إمرأه تصرخ فی وجهه: حثالة... حثالة... أنتم حثالة». (همان: ۱۰۴)

۳-۳) بحران مذهبی

دین یکی از مؤلفه های اساسی فرهنگ جامعه عراق است. برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پابندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین های مذهبی فراگیر در فرایند شکل گیری هویت مذهبی، بسیار موثر است. هویت دینی دارای معانی متعددی است که حاکی از چند بعدی بودن این واقعیت اجتماعی دارد (شرفی، ۱۳۸۲: ۹۵). هویت دینی هر فرد در واقع عبارت است از میزان نقشی که در بازتولید نهاد دین در جامعه ایفا می کند یا میزان اهمیتی است که فرد در شیوه زندگی انتخابی خود به انگاره های تعامل دینی می دهد (دوران، ۱۳۸۳: ۵۴). افرادی که دچار بحران هویت دینی و مذهبی می شوند به هنجارشکنی، ضعف باورهای دینی و کاهش خود کنترلی، با بی اعتمادی به خود و جامعه و متقابلاً سلب شدن اعتماد دیگران نسبت به وی و همچنین انزوای اجتماعی روبه رو می گردند (نقیب زاده، ۱۳۷۵: ۲۵۱-۲۵۰).

بحران مذهبی از دیگر عواملی است که در سرزمین عراق تشنج ایجاد نموده و باعث اختلاف و دودستگی در میان مردمانش شده است. نویسندگان این مساله را از جانب عمومی نبیل بیان نموده بدان علت که رفتار گروهک اسلامی را نمی تواند درک کند و معتقد است سخت گیری بیش از حد این گروهک به ظاهر متدین در زمینه مذهبی مردم را با مشکل روبه رو ساخته و از آزادی مذهبی که حق آنان بوده محروم نموده است و حتی با بیان جملات پرسشگرانه رفتار ناپسندشان را که در واقع بدور از شأن اجتماعی بوده زیر سوال برده است:

«فلا تستقیم حياة عمه المترفة الباذخة مع النزعة المتقشفة للقوى الإسلامية التي منعت كل شیء يتعلق بمباهج الحياة . - من أين سیأتی بالفودکا؟! من أين سیأتی بالسیجار؟! و أين سیجد الکافیار» (همان: ۱۰-۹)

این سخت گیریها به همراه خشونت بوده که مردم جامعه اش را به سکوت اجباری وادار نموده است. زیرا آنان با به کار گرفتن نیروی قدرت و زورشان قوانین شریعت اجباری را بر مردم تحمیل نموده و آنان را به پیروی از این قوانینی که خودشان تثبیت کرده وادار کرده اند. در حالی که این مردم مظلوم چاره ای جز سکوت و اطاعت بی چون و چرا نداشته و ندارند:

«مع أن عمه مات بالسرطان، إلا أن نبيل عدّ موته نوعاً من الاحتجاج الصامت على وجود هذا المخلوقات التي تريد تطبيق الشريعة على الناس - هنا - بالقوة» (همان: ۱۰)

در واقع نبیل نگران است که سردمداران امور مذهبی فریفته استعمارگران شده‌اند و آنها بنا به شرایط سیاسی موجود در عراق به گروهک‌های دینی که به ظاهر متدین هستند تبدیل گردیده‌اند. وی به حدی از این تظاهرشان رنج می‌برد که از روش هجو برای مردم بی‌هویت سرزمینش استفاده می‌کند. او معتقد است خیانت‌هایی که در میانه تحولات سیاسی در جامعه‌اش رخ داده به خاطر همین دو رو بودن مردم بی‌هویتی است که سبب دستگیری وی شده و از آنان با عنوان «الطبقة الרתة» یاد می‌کند:

«أما نبيل؛ فيتقدم أكثر في استخدامه مادة للهجاء. ذلك أن ماركس ذاته قد هجا الطبقة الרתة، بسبب تلونهم و خياناتهم في أثناء التحولات السياسية الكبرى. و هكذا هم - أيضاً - بالنسبة لنبيل «فبعد أن كانوا مليشيات لصدام في الماضي تحولوا الى ميليشيات دينية. ما أكثر الإهانت التي واجهت لنبيل من الطبقة الרתة، آخرها في الأشد قسوة، حين قبضت عليه مجموعة إسلامية» (همان: ۲۴)

نبیل معتقد است این افراد متظاهر از دین سوء استفاده می‌کنند تا بتوانند اهداف شخصی خویش را پیش ببرند. به عقیده وی آنان از مسائل اسلام و حرام و حلال بودن امور دینی اطلاعات دقیقی نداشته و فقط به ظاهر روایت‌ها اکتفا کرده‌اند. آنان با تکرار عبارت «إنها حرام... الموسيقى حرام» شغل وی را که جزء آلات موسیقی است، حرام دانسته و معتقدند که شنیدن صدای موسیقی سبب آزارشان می‌شود و به حدی به وی القاء نموده‌اند که وی را نسبت به تکالیف دینی حتی دچار تشویش کرده‌اند. به طوری که در پذیرفتن یا نپذیرفتن دین مردد شده است:

«مهنة قذرة.... ثم إنها حرام.... الموسيقى حرام، ألم تسمع شيخ الجامع؟! - أتركوني أنا و ربي... هو الذي يعرف إن كانت حراماً أم لا!... ما شأنكم مني. لا شأن لنا بك... لكنك تزعجنا... و لا نريدك أن تسمعنا الحرام غضباً عنا» (همان: ۲۴).

نبیل ذکر می‌کند که آنان برای گرفتن این پولی که به ظاهر برای اسلام بوده به تهدیدش پرداخته و او را ملحد و سکولار می‌خوانند و او برای نشان دادن عدم آگاهی‌شان در زمینه سختی‌گیری‌هایی که در حوزه دینی در جامعه‌اش انجام می‌شود و به خوبی شاهد آن بوده به بردن نام یکی از اشخاص دینی از جمله «أبو حنيفة النعمان» متوسل می‌شود تا بیان نماید که وی حتی در دورانی که اسلام با شدت بیشتری در جامعه رواج داشته، نوشیدن خمر را حرام ندانسته و خود این فقیه به خوردن آن می‌پرداخته است در حالی که نبیل با بیان کلمه «يفرق» بین مستی و از بین رفتن عقل تفاوت قائل است و شرب خمر را زمانی که به از بین رفتن و نابودی عقل می‌انجامد به عنوان کاری «حرام» تعبیر می‌نماید. در حالی که این گروهک به ظاهر متدین بی‌هویت آن را درک نکرده و در برابر اهدافشان که خالی از هرگونه منطق بوده مصمم بوده‌اند: «فأبو حنيفة النعمان الذي عاش في القرن الثامن الميلادي في بغداد و هو أكبر فقها الإسلام، كان يحلل شربها و المتاجرة بها و هو يفرق بين السكر و ذهاب العقل، و هذا حرام و شرب الخمرة، فأنت يمكنك أن تشرب على ألا تسكر» (همان: ۳۵). یعنی «ابوحنیفه نعمان که در قرن هشتم میلادی در بغداد زندگی می‌کرد و بزرگترین فقیه اسلام بود،

نوشیدن آن (شراب) و تجارت با آن را حلال می‌دانست و بین مستی و از دست دادن عقل تفاوت قائل می‌شد، و این (از دست دادن عقل) حرام است و نوشیدن شراب (مباح است)، پس شما می‌توانید بنوشید به شرطی که مست نشوید.»

۳-۴) بحران فرهنگی

هویت فرهنگی مجموعه ارزش‌ها، باورها و سمبل‌هاست که سبب شناخته شدن و متمایز کردن فرد و جامعه از دیگر افراد و جوامع می‌شود (رهبری، ۱۳۸۰: ۵۷). بحران فرهنگی زمانی بروز پیدا می‌کند که روح تقلید و اقتباس از تمدن غرب تقویت می‌شود و از سوی دیگر پابندی به ارزش‌ها، باورها و عقاید فرهنگ خودی، بتدریج ضعیف شود و پیوندهای تعلق میان بخشی از افراد جامعه و فرهنگ ملی گسیخته گردد و رشته‌هایی که بخشی از هویت فرهنگی آنها را شامل می‌شود، از میان برود و نوعی فرهنگ مقلد جایگزین آن چیزی شود که از آن به فرهنگ برتر تعبیر می‌کنیم (شرفی، ۱۳۸۰: ۱۳۳).

یکی از عوامل بحران هویت فرهنگی که نیل در سرزمین غربت با آن روبه‌رو شده احساس ضعف، خود کم‌بینی و حقارت وی در برابر نظام تمدن و فرهنگ غرب است که می‌توان منشأ پیدایش آن را به بازنمایی منفی و تاریک او در سرزمین غربت که عاملی برای حاشیه‌ای شدن وی بوده نسبت داد و سبب گردیده او خودش و افرادی را که از شرق یا خاورمیانه به کشورهای اروپایی نظیر بلژیک سفر کرده‌اند، در حقیقت افرادی عاجز و ناتوانی تصور کند که از جهت فرهنگی در پایین‌ترین مرتبه قرار گرفته و به دور از فرهنگ پیشرفته بوده و خویشان را در این زمینه قبول نداشته و خود را فرسنگ‌ها دور از تمدنی بداند که زمینه‌ساز تفاوت آنها با شهروندان بلژیکی شده و اعتقاد به این داشته باشد که مهاجران باید جایگاه خود را در کشور میزبان حفظ کنند و پذیرای این تفاوت که از نظر نیل فقر فرهنگی است، باشند:

«هی‌التی تتکلم مع البنک، و مع الشرطة، و مع الضريبة و جميع الاجراءات الادارية المعقدة التي لا يفهم هو منها أي شی، لقد اصبحت مثل كهربائی لدی بدوی يعيش فی صحرا مظلمة، و قد ذکرته هذه الحالة بأبیات قديمة، قد کتبتها: کی یعرفها. تتحدث عن نظرة إمراة تطلق النور دوائر شفافة و عميقة علی رجل يتجمد أمامها» (همان: ۸۱).

از دیگر مؤلفه‌های بحران فرهنگی که در این رمان به چشم می‌خورد بحران هویت زبانی است. زبان یکی از مؤلفه‌هایی است که ارتباط قوی و محکمی با هویت دارد؛ هویتی که سازنده گذشته، حال و آینده یک ملت است. فردی که بر اثر آشنایی با زبان دوم، از هویت ملی خود متنفر و به هویت زبان مقصد گرایش یابد، اندک‌اندک زبان اصلیش را به دست فراموشی می‌سپارد، قومیت خویش را بر باد می‌دهد و هویت اجتماعی وی ضعیف می‌شود؛ زیرا زبان مادری، هویتی اکتسابی و ریشه‌دارترین جنبه هویت اجتماعی افراد است (حسن، ۱۹۳۳م: ۱۷۹ و نیازی و دیگران، ۱۳۹۲ش: ۲۰۷). نویسنده با به کار بردن جمله «إن لم يفهم أحد شيئاً من عباراته الفرنسية» بر بحران هویت زبانی نیل اشاره کرده و بیان می‌کند حضور نیل در جامعه میزبان او را وادار به یادگیری زبان آن کشور کرده است. زیرا او با مهاجرت خویش دچار هویت چندتباری شده است. بنابراین مجبور گردیده با دو هویت زندگی کند، با دو زبان فرهنگی صحبت کند و باید بین آنها روابط هم‌زبانی برقرار نماید و مذاکره کند تا بتواند در آنجا با چنین فرهنگی درآمزد. اما در این مسیر بنا به گفته نویسنده «ينطقها بلکنة عراقية» نه تنها نتوانسته از زبان خویش به طور کامل جدا گردد بلکه در این راستا نیز لهجه

عراقی را با زبان مقصد در آمیخته است که سبب آشفتگی و سرگردانی افرادی گردیده که در تعامل با شخص نبیل بوده‌اند: «لاسیما الفیات، ينظرن فی وجهه مبتسمات و محاملات، حتی و إن لم يفهم أحد شيئاً من عباراته الفرنسية المعقدة، العبارات النخبوية التي ينطقها بلكنة عراقية، لم تعود أحد منهم عليها» (همان: ۸۸). یعنی «به ویژه دختران جوان، در حالی که لبخند می‌زدند و تعارف می‌کردند، به صورت او نگاه می‌کردند، حتی اگر کسی چیزی از عبارات پیچیده فرانسوی او را متوجه نمی‌شد، عبارات نخبه گرایانه‌ای که با لهجه عراقی بیان می‌کرد، لهجه‌ای که هیچ‌کدام از آن‌ها به آن عادت نداشتند».

(۴) نتیجه گیری

- (۱) سرگشتگی، حیرانی و حس غربت و از همه مهمتر بحران هویت و پدید آمدن دو قطبی‌های گسترده نظیر اینجا و آنجا، دنیای گذشته و آینده، دیروز و امروز، زادگاه و سرزمین بیگانه، زبان مادری و زبان دیگری، هویت عربی و ... از پیامدهای مهاجرت شخصیت این رمان می‌باشد که در رمان بازتاب داشته است.
- (۲) نبیل شخصیت اصلی موجود در این رمان با قرار گرفتن در فضای متباین غربی به طور کلی هویت اصیل شرقی‌اش را فراموش نموده و تن به هویت کلیشه‌ای و از پیش تعیین شده‌ی غربی داده که از آن تحت عنوان خود باختگی یاد می‌شود.
- (۳) علی بدر شخصیت گمشده و متزلزل در تبعید را به تصویر کشیده که قبلاً در حاشیه زندگی کرده و این شخصیت تمام روش‌ها را به کار گرفته تا خودش را در جوامع غربی راضی و خشنود نگه دارند در حالی که این فرد از سرزمین مادریش یعنی عراق به علت عواملی از جمله سیطره ظالمانه دولت در کنار تحمیل دین و سنت‌ها روبه‌رو شده است.
- (۴) علی بدر در این رمان، فقدان هویت و همچنین عدم احساس تعلق این شخصیت به کشور مبدأش را به تصویر کشیده است. او اثرات این بی‌هویتی را از جانب رژیم سابق می‌داند که این شخصیت را مورد آزار و اذیت قرار داده تا وی را از ادامه حیاتی که همراه با آزادی و احترام در محل زندگی خود بوده، محروم کند و اجازه ندهند مانند هر شهروندی از حقوق شهروندی خود استفاده کنند.
- (۵) هویت عراقی نبیل که در تبعید به سر برده، از بین رفته است. زیرا این شخصیت دیگر هویت عراقیشان را به عنوان قوام دهنده وجود و شخصیت خود نمی‌بیند و این شخصیت نهایت تلاش را برای جدایی از این هویت می‌کند تا بتواند به احساسات سرکوب شده‌ای که در جامعه عراق گرفتار آن شده، پاسخ دهد.

منابع و مأخذ

- احمدی، حسن؛ محسنی، نیکچهر، (۱۳۸۷ش)، روان شناسی رشد، مفاهیم بنیادی در روانشناسی و نوجوانی و جوانی، تهران: انتشارات آینده درخشان.
- ادیب راد، نسترن و دیگران، (۱۳۸۶ش)، مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، فرهنگ و مطالعات اجتماعی، جهاد دانشگاهی.
- بدر، علی، (۲۰۱۶م)، عازف الغیوم، الطبعة الاولى، ایتالیا: منشورات المتوسط.
- بلاس، حسن، (۲۰۱۷م)، العراق، الطبعة الاولى، بلجیکا، دار الکا.
- جماعی، صلاح الدین، (۲۰۰۷م)، الاغتراب النفسی و الاجتماعي و علاقته بالتوافق النفسی و الاجتماعي، الطبعة الأولى، عمان، الاردن، مكتبة مدبولي.
- جنکینز، ریچارد، (۱۳۹۱ش)، هویت اجتماعی، ترجمه: تورج یار احمدی، تهران: نشر شیرازه.
- خلیفه، عبداللطیف، (۲۰۰۳م)، دراسات في سيكولوجية الاغتراب، القاهرة: دار غريب للطباعة و النشر.
- رهبری، مهدی، (۱۳۸۰)، معرفت و قدرت: معمای هویت، تهران: کویر.
- الزبید، ماجد، (۲۰۰۶م)، الشباب و القيم في عالم متغير، الطبعة الأولى، عمان: دارالشرق للنشر و التوزيع.
- سلامی، سمیر، (۲۰۰۰م)، الاغتراب في الشعر العباسي (القرن الرابع الهجري)، دمشق: دار الینابیع.
- شرقی، محمدرضا، (۱۳۸۲)، جوان و بحران هویت، چاپ سوم، تهران: انتشارات سروش.
- صالح، فروغ، (۱۳۸۷)، هویت ملی، هویت قومی و وفاق ملی، پژوهشنامه هویت/اجتماعی، شماره ۴۹، ۲۱.
- عماره، محمد، (۱۹۹۹م)، مخاطر العولمة على الهوية الثقافية، القاهرة: دار نهضة مصر للطباعة و النشر.
- نعمان، احمد، (۱۹۹۶م)، هذه هي الثقافة، الجزائر: شركة دار الأمة للطباعة و الترجمة و النشر و التوزيع.
- نقیب زاده، میر عبدالحسین، (۱۳۷۵)، در آمدي بر فلسفه، تهران: انتشارات طهوري
- نوردی و رنون، و هال، کالوین، (۱۳۸۰)، روانشناسان بزرگ، ترجمه: احمد به پژوه و رمضان دولتی، تهران: منادی تربیت
- نیازی، محسن و دیگران، (۱۳۹۲)، زبان و هویت؛ تبیین رابطهی زبان خارجی و هویت فردی، اجتماعی، فرهنگی و ملی، فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی، شماره ۳۰، ص ۲۰۷.
- هولبورن، هارلمس، (۲۰۱۰م)، سوسیولوجیا الثقافة و الهوية، ترجمه: حاتم حمید محسن، سوریا: دار کیوان للطباعة و النشر و التوزيع.
- یوسفی، نریان (۱۳۸۳ش)، شکاف بین نسلها؛ بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

References

- Adib Rad, Nastaran et al., (2006), Theoretical Foundations of Identity and Identity Crisis, Tehran: Research Institute of Human Sciences, Culture and Social Studies, Academic Jahad. (In Persian)
- Ahadi, Hassan; Mohseni, Nik chehreh, (1387), Developmental Psychology/Basic Concepts in Psychology, Adolescence and Youth, Tehran. (In Persian)
- Al-Zayoud, Majed, (2006), Al-Shabaab and Al-Qayyim in a Changing World, t 1, omman: Dar Al-Sharq for Publishing and Distribution. (In Arabic)
- Badr, Ali, (2016), Azaf al-Ghouyom, first edition, Italy: Middle Publications. (In Arabic)
- Balsam, Richard (2017), Al-Iraq, first edition, Belgium, Dar al-Aqah. (In Arabic)
- Emare, Muhammad, (1999), The dangers of globalization on cultural identity, t1, Cairo, Egypt, Dar Al-Nehzat, Egypt for printing and publishing and distribution. (In Arabic)
- Holmborn, Harlems, (2010), Sociology of culture and theology, tr: Hatam Hamid Mohsen, Suriya, Dar Kivan Publishing and Distribution
- Jamaei, Salahuddin, (2007), psychological and social anxiety and interest in psychological and social harmony, t 1, Amman, Jordan, Madbouli School. (In Arabic)
- Jenkins, Richard (1391), Social Identity, translated by Toraj Yar Ahmadi, Tehran: Shirazeh Publishing. (In Persian)
- Khalifa, Abdul Latif, (2003), Studies in the Psychology of El-Aghtarab, D.T., Cairo, Dar al Gharib for printing and publishing. (In Arabic)

- Naqibzadeh, Mir Abdul-Hossein, (1375), An Introduction to Philosophy, Tehran: Tahuri Publishing. (In Persian)
- Niazi, Mohsen and others, (2013), "Language and identity; explaining the relationship between foreign language and individual, social, cultural and national identity", Cultural and Social Studies Quarterly, Number. 30, 207. (In Persian)
- Noman, Ahmad, (1996), This is the Culture, Algazire, Dar al-ommat company for printing, translation, publishing and distribution, Al-Nashar, and Distribution, Burj Al-Kifan. (In Arabic)
- Noord Bi. And Renun, and Hall, Calvin, (2010), The Great Psychologists, translated by Ahmad Beh Pazhooh and Ramezan Doulati, Tehran: Monadi Tarbiat. (In Persian)
- Rahbari, Mehdi, (2010), Knowledge and Power: The Mystery of Identity, Tehran: Kavir. (In Persian)
- Salami, Samire, (2000), Al-eghterab fi al-Sha'ar al-Abbasi (4th century Hijri), Damascus, Dar al-yanaba. (In Arabic)
- Saleh, Forough, (2007), "National Identity, Ethnic Identity and National Unity", Research Journal of Social Identity, Number. 49, 21. (In Persian)
- Sharafi, Mohammadreza, (2012), Youth and identity crisis, third edition, Tehran, Soroush Publishing. (In Persian)

